

## شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی ضرورت، اهداف و کارکردها

محمد رضا رضایی بایندر  
پژوهشگر اداره کل همکاری  
با مراکز علمی و هماهنگی  
پژوهش‌های صداوسیما

### چکیده

هر چند اکثر مسلمانان به طور سنتی به نقش و کارکردهای تلویزیون در جوامع اسلامی نگرش منفی دارند، گسترش روزافزون رسانه‌های فراملی به ویژه تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اثر بخشی آنها در گستره تغییر نگرش، تبلیغ و دیگر حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، باعث شده است تا ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های این رسانه مدرن، برای پیشبرد اهداف و آرمان‌های جهان اسلام، در بین صاحب‌نظران مسلمان، مطرح شود. در این مقاله سعی شده است تا دیدگاه‌های مختلف در مورد جایگاه و نقش تلویزیون، به ویژه تلویزیون‌های فراملی در جوامع اسلامی، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این خصوص دو دیدگاه ارائه شده است که اولی با رویکردی خوشبینانه بر نقش و خدمت‌بخش تلویزیون‌های ماهواره‌ای و دومی بر نقش مخرب آنها تأکید دارد. برآیند این مناقشات استفاده کارآمد از این رسانه است. راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی بر مبنای ایدئولوژی اسلامی و چهارچوب اخلاق و ارزش‌های دینی می‌تواند ضمن تأمین نیازهای معنوی مخاطبان مسلمان، باعث شکل‌گیری آرمان‌های مشترک در بین ملل اسلامی شود و به ارتباط آنها و درک متقابل یکدیگر کمک کند. این شبکه‌ها همچنین می‌توانند زمینه ارتباط اقلیت‌ها و مهاجران مسلمان را در دیگر کشورها با امت اسلامی فراهم آورند و در اصلاح تصویر تحریف‌شده مسلمانان در جهان نقش مؤثری ایفا کنند.

## ضرورت راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای

### اسلامی

تحولات سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ میلادی و آغاز هزاره سوم، آثار و پیامدهای گسترده‌ای در

◀ آنچه حساسیت مسلمانان را برمی‌انگیزد نوگرایی یا مدرنیزاسیون نبود، بلکه انتقال ایدئولوژی غرب به جهان اسلام بود.

سپهر عمومی جهان اسلام بر جای گذاشت و در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها کشورهای اسلامی را از انفعال سنتی به نوعی فعالیت و حتی رقابت رهنمون شد به گونه‌ای که کشورهای مسلمان به جای نفی فناوری‌هایی که عموماً برخاسته از غرب هستند به بهره‌گیری از آنها برای دستیابی به اهداف و آرمان‌هایشان پرداختند. اصولاً بررسی تحولات گسترده‌ای که طی دو قرن اخیر در جهان رخ داده و فرایند صنعتی شدن و مدرنیزاسیون را پیش برده است، نشان می‌دهد که جهان اسلام همواره به این تحولات و به تبع آن، روابط خود با جهان غرب بدبین بوده و در برابر آن مقاومت کرده است. اما در واقع، آنچه حساسیت مسلمانان را برمی‌انگیزد نوگرایی یا مدرنیزاسیون نبود، بلکه انتقال ایدئولوژی غرب به جهان اسلام بود. برخی بررسی‌های نظری حاکی از آن است که غلبه محصولات تلویزیونی غربی در جداول پخش تلویزیون‌های کشورهای جهان سوم، نفوذ و شیوع هنجارها و ارزش‌های غربی را به دنبال داشته است. بررسی این مسئله در جهان اسلام از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است چون تقریباً بسیاری از محصولات رسانه‌ای غرب مغایر با شئون اسلامی است و از طرف دیگر برخی رسانه‌های غربی تبلیغات مغرضانه‌ای را علیه اسلام و نظام ارزشی و اخلاقی آن به صورت آشکار یا پنهان پیگیری کرده‌اند (محمد آئیش، ۲۰۰۲). هجوم اطلاعات از جهان غرب به جهان اسلام، مسائلی را مطرح می‌کند که اعتقادات و هویت مسلمانان را با چالش‌هایی اساسی مواجه می‌سازد. با این حال در جهان اسلام طی دهه‌های اخیر شرایط اجتماعی و سیاسی نیز باعث شده است تا اولاً رسانه‌های مدرن معمولاً در اختیار دولتمردان قرار گیرند و مردم کمتر به اطلاعات و محتوای آنها اعتماد داشته باشند و ثانیاً نفوذ غرب بر فناوری‌های رسانه‌ای، تهیه و پخش برنامه‌ها، افزایش پخش برنامه‌های غربی یا الگوپردازی از آنها و نبود نظارت اثربخش بر

محتوای این برنامه‌ها حساسیت رهبران دینی را برانگیزد و استفاده از رسانه‌های مدرن مانند رادیو و تلویزیون را با ممنوعیت شرعی روبه‌رو کند.

با این حال پیشرفت فناوری در حوزه ارتباطات باعث شیوع گسترده رسانه‌ها در سراسر جهان از جمله جهان اسلام شد و بسیاری از مسلمانان بر آن شدند تا از این وسایل به نفع خود استفاده کنند. مولانا (۱۹۹۵) معتقد است که در دهه‌های پایانی قرن بیستم سه تحول عمده آثار عمیقی بر ماهیت ارتباطات در جهان اسلام بر جای نهاد. الف) وقوع انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر جریان‌های سیاسی، جنبش‌های دینی و جریانات روشنفکری، اسلامی کردن رسانه‌ها را مطرح کرد و اکولوژی ارتباطی جدیدی در برخی از مناطق جهان به وجود آورد. ب) فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته مسلمان در آسیای مرکزی و قفقاز توان گسترش شبکه گسترده ارتباطات اسلامی را افزایش داد. ج) گسترش ارتباطات راه دور و رشد فزاینده فناوری‌های رسانه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی از طریق ماهواره‌ها و آثار اجتماعی آنها بر یکپارچگی جهان اسلام و توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای مسلمان، نقش رسانه‌ها را در این کشورها متحول ساخت و توسعه فناوری رسانه‌ای در جهان اسلام و تولید و پخش برنامه‌های متناسب با ارزش‌های اسلامی به ابراز مقابله با تهاجم فرهنگی غرب و تقویت فرهنگ اسلامی تبدیل شد.

با این حال تردید در مورد نقش تلویزیون در جهان اسلام همچنان پابرجاست و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که طی دوره پنجاه ساله ورود تلویزیون به جهان اسلام، کمک آن به احیای غنی‌سازی فرهنگی به مراتب کمتر از آن چیزی است که ادعا می‌شود (Bataineh, 2001). اما به هر صورت گسترش ماهواره و شکسته شدن مرزهای متعارف جغرافیایی و فرهنگی باعث هجوم اطلاعات متعارض به جهان اسلام شد و متفکران و صاحب‌نظران را با چالش‌های جدیدی مواجه کرد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این گستره مطرح شد ضرورت راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی بود. این موضوع در ابتدا سوالات متعددی را طرح کرد که مهم‌ترین آنها این دو سؤال بنیادی بود: آیا اصولاً نیازی به وجود شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی در جهان

مدرن وجود دارد؟ چنین شبکه‌ای چگونه باید تعریف شود، آیا می‌توان آن را معادل برنامه‌های مذهبی فرض کرد که اغلب در تلویزیون‌های کشورهای مسلمان رایج هستند؟

در طول دهه ۱۹۹۰، بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران مسلمان لزوم تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی را گوشزد کرده بودند و حتی در کنفرانس بین‌المللی مسلمانان امریکای لاتین (برزیل، ۱۹۹۴) بر راه‌اندازی یک شبکه ماهواره‌ای اسلامی به عنوان پیشنهادی محوری تأکید شده بود. شرکت‌کنندگان این کنفرانس اشاره کرده بودند که تأسیس چنین شبکه‌ای برای مسلمانانی که در کشورهای غیراسلامی زندگی می‌کنند، به عنوان شبکه‌ی جایگزین، ضروری و مفید است. اتحادیه سازمان‌های علمی-آموزشی و فرهنگی عرب (ALESCO) نیز طرح‌های متعددی را با هدف کاربرد رسانه، به ویژه تلویزیون، برای ارتقای بنیان‌های فرهنگ اسلامی-عربی پیشنهاد کرده است (ALESCO, 1998). با این حال تمرکز اصلی این مباحث به منطقه خاورمیانه و به ویژه جهان عرب بوده است و نه کل جهان اسلام، از جمله کشورهای شرق آسیا مانند سنگاپور و آسیای مرکزی مانند کشورهای تازه استقلال یافته.

در زمینه نقش و کارکردهای تلویزیون ماهواره‌ای در جهان اسلام همواره دو دیدگاه در مقابل هم قرار داشته‌اند. دیدگاه اول بر کارکرد وحدت‌بخش تلویزیون ماهواره‌ای و دیدگاه دوم بر نقش مخرب و تفرقه‌انگیز آن تأکید دارد. طرفداران نقش وحدت‌بخش تلویزیون، اعتقاد دارند که گسترش شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در کشورهای مسلمان می‌تواند با بهره‌گیری از نشانه‌های دیداری، به شکل‌گیری گروه مخاطبان بینجامد که ارتباط و نزدیکی بی‌سابقه‌ای با فرهنگ مشترکشان دارند. آنان می‌گویند شبکه‌های ماهواره‌ای با انتقال ارزش‌های فرهنگی مشترک به شکل‌گیری و ایجاد آرمان‌ها و اهداف مشترک در جهان اسلام کمک می‌کنند و باعث رشد اشتراکات فرهنگی مخاطبان در کشورهای اسلامی سراسر جهان می‌شوند. در مقابل منتقدان نقش تلویزیون، اعتقاد دارند که این رسانه به دلیل تکثر جوامع اسلامی و ماهیت تکثرگرایی آن، نمی‌تواند به مقبولیت عام در بین مخاطبان تمام کشورهای مسلمان دست یابد. از این منظر تلویزیون ماهواره‌ای با آشفته کردن سپهر

◀ معتقدان به نقش وحدت بخش تلویزیون ماهواره‌ای بر این نکته تأکید می‌کنند که تلویزیون ماهواره‌ای اسلامی، حس جمعی را در جهان اسلام تقویت می‌کند.

عمومی این کشورها بینندگان را به انتخاب جایگزینی برای چهارچوب‌های فرهنگی خود سوق می‌دهد. این مسئله به تعمیق شکاف و از هم گسیختگی و چند پارگی در جوامع اسلامی کمک می‌کند.

اعتقاد به نقش مثبت تلویزیون در انسجام فرهنگی، ریشه در پارادایم نوگرایی چهل سال اخیر دارد که بر کارکرد رسانه‌های گروهی پر نفوذ در توسعه اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌کند. از این منظر، بر توسعه فرهنگ بومی نیز تأکید می‌شود که نیروی محرک تحولات اجتماعی در جوامع عرب معاصر به شمار می‌آید. به هر حال در رویکرد خوشبینانه به تلویزیون، حفظ و نگهداری از فرهنگ و نظام ارزشی ملی و اسلامی، مهم‌ترین عامل بهره‌گیری از تلویزیون در جوامع اسلامی معاصر به خصوص جهان عرب بوده است.

سیاست‌های حمایتی با هدف ترویج فرهنگ بومی و سنت‌های اجتماعی، تلویزیون‌های دولتی را تا حد زیادی به سمت برنامه‌های آموزشی، مذهبی و فرهنگی سوق می‌دهد. از این جنبه مضامین برنامه‌های تلویزیون با هدف نمایش صور مختلف فرهنگ عربی - اسلامی منطقه‌ای تنظیم می‌شود. معتقدان به نقش وحدت بخش تلویزیون ماهواره‌ای بر این نکته تأکید می‌کنند که تلویزیون ماهواره‌ای اسلامی، حس جمعی را در جهان اسلام تقویت می‌کند. یکی از نتایج قابل پیش‌بینی رسانه‌های فراملی، وارد کردن قالب‌های زبانی جدید به حوزه مخاطبان مسلمان در سراسر جهان است. امکان پخش و دریافت برنامه‌های مذهبی اسلامی به زبان‌های رایج جهان اسلام به شناخت بیشتر مسلمانان از یکدیگر و واگرایی برخی تصورات قالبی در مورد کشورها و قومیت‌ها می‌انجامد. یکی از مهم‌ترین نتایج راه‌اندازی تلویزیون‌های فراملی فراهم شدن امکان وحدت و پیوستگی مجدد مهاجران مسلمان با زندگی و جامعه اسلامی است. این امر در نهایت به تحکیم هویت اسلامی مسلمانان سراسر جهان منجر می‌شود. طرفداران این رویکرد معتقدند که تلویزیون‌های ماهواره‌ای اسلامی با ارائه میراث فرهنگی اسلامی،

◀ در حالی که طرفداران نقش وحدت بخش تلویزیون آن را عامل بقا و همگرایی فرهنگی جهان اسلام به ویژه جهان عرب می‌دانند، منتقدان آن را ابزار انحطاط فرهنگی قلمداد می‌کنند که به تدریج مبانی اصلی فرهنگ اسلامی عربی را تحلیل می‌برد.

چهارچوب هنجاری همسانی را میان میلیون‌ها مسلمان سراسر جهان به وجود می‌آورد. این چهارچوب مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در هم می‌شکند و گستره وسیعی از مخاطبان تلویزیون را گرد هم می‌آورد. آنان امیدوارند که تلویزیون‌های فراملی اسلامی با ترویج هویتی واحد در بین مخاطبان مسلمان به تحقق اجتماع اسلامی که ویژگی‌های آن تحت تأثیر دگردیسی‌های گسترده فرهنگ جهانی رو به اضمحلال می‌رود، کمک کند.

از این دیدگاه در عصری که فرایند جهانی شدن، شیوه‌های زندگی غربی را برای مردم جهان در اولویت قرار داده است، تلویزیون‌های فراملی اسلامی می‌توانند به کانون همگرایی مسلمانان جهان تبدیل شوند. بنابراین چنین شبکه‌هایی باید از طریق تهیه و پخش برنامه‌های تاریخی، فرهنگی، آموزش‌های مذهبی و سایر موضوعاتی که ویژگی‌های هویتی متمایزی به امت اسلام می‌بخشد بر ارزش‌های اسلامی و سنت محلی و منطقه‌ای تأکید کنند.

برخلاف دیدگاه فوق، منتقدان تلویزیون، آن را ابزار آشفستگی فرهنگی و سیاسی جهان اسلام می‌دانند. آثار تلویزیون را می‌توان در دلمشغولی‌های توده مردم مشاهده کرد. بر اساس این دیدگاه، تلویزیون با تمرکز بر ناهم‌رأی سیاسی و فرهنگی کشورهای اسلامی، به خصوص در خاورمیانه و جهان عرب، باعث چندپارچگی ساختار فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی می‌شود و بذر اختلاف را بین ملل مسلمان در گروه‌های فرقه‌ای و ناسیونالیستی می‌کارد. در حالی که طرفداران نقش وحدت بخش تلویزیون آن را عامل بقا و همگرایی فرهنگی جهان اسلام به ویژه جهان عرب می‌دانند، منتقدان آن را ابزار انحطاط فرهنگی قلمداد می‌کنند که به تدریج مبانی اصلی فرهنگ اسلامی عربی را تحلیل می‌برد. آنان مثال‌های متعددی را از برنامه‌های تلویزیونی نقل می‌کنند که نشان‌دهنده جهت‌گیری آشکار سازمان‌های تلویزیون‌های ملی و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای عربی به سمت غرب است. نقش مخرب

تلویزیون به وضوح در قالب‌های برنامه‌ای به سبک غرب با مضامین تفریحی دیده می‌شود. دیندارانی که از برنامه‌های تلویزیونی انتقاد می‌کنند بر این اعتقادند که مخاطبان مسلمان به ویژه جوانان بیش از پیش در برابر ارزش‌های فرهنگ غربی آسیب پذیرند. طرفداران این

◀ بسیاری از صاحب‌نظران مسلمان بر ضرورت راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی بر مبنای اهداف و آرمان‌های مذهبی، ارزش‌های اخلاقی و تعالیم دینی تأکید می‌کنند. آنان اعتقاد دارند که نادیده گرفتن این ابزار فرهنگی به انفعال هر چه بیشتر جهان اسلام خواهد انجامید.

رویکرد معتقدند تلویزیون اساساً وسیله انتقال فرهنگ غربی جهانی است تا جریان پیوستگی جوامع اسلامی را به نظام جهانی سرعت بخشد (محمد آئیش، ۲۰۰۲).

به رغم این مجادلات بسیاری از صاحب‌نظران مسلمان بر ضرورت راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی بر مبنای اهداف و آرمان‌های مذهبی، ارزش‌های اخلاقی و تعالیم دینی تأکید می‌کنند. آنان اعتقاد دارند که نادیده گرفتن این ابزار فرهنگی به انفعال هر چه بیشتر جهان اسلام خواهد انجامید. از میان دلایل متعددی که برای راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی مطرح شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- گسترش ارتباطات ماهواره‌ای باعث شده است ملت‌ها برای بهره‌مندی از این رسانه پر قدرت با هم به رقابت پردازند. این رسانه اکنون تبدیل به ابزاری کارآمد و اثربخش برای ابراز هویت و دستیابی به خواسته‌ها و علایق شده است. این موضوع موجب می‌شود تا ماهواره در خدمت اسلام قرار گیرد.

۲- در سراسر جهان بسیاری از مسلمانان به دلیل درک نادرست از تعالیم اسلامی دارای افکار و عقاید تحریف شده هستند. این امر از یک سو به گسترش و نفوذ فرهنگ غربی و از دیگر سو به تعارضات و اختلافات نحلّه‌ها و مکاتب فکری، اعتقادی و جنبش‌های مذهبی جهان اسلام مربوط می‌شود. این فرایند موجب شده است تا در گستره جهان اسلام برخی از مسیر اسلام منحرف شوند و هویت دینی خود را از دست بدهند و در مقابل برخی دیگر به دیدگاه‌ها و عقاید افراطی پای بند شوند که سنخیت اندکی با اصول و مبانی دینی دارند. وجود شبکه‌های

ماهواره‌ای اسلامی کارآمد نه تنها باعث رفع بسیاری از این سوء تفاهمات و کج فهمی‌ها از دین اسلام می‌شود، بلکه به افزایش آگاهی‌های دینی مخاطبان و گسترش و اثربخشی تعالیم مذهبی می‌انجامد.

۳- میلیون‌ها نفر از مسلمانان که به صورت اقلیت مذهبی در جوامع و کشورهای غیرمسلمان به خصوص اروپا و امریکا زندگی می‌کنند امکان محدودی برای دسترسی به اطلاعات دقیق و درست از فرهنگ و تعالیم اسلامی دارند. از این رو نیازمند منبعی هستند تا از طریق آن پیوند خویش را با ریشه‌های دینی حفظ کرده و از هویت خود محافظت کنند. وجود شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی می‌تواند از طریق فراهم آوردن درونشدهای معنوی و فکری، ویژگی‌ها و تشخیص فرهنگی آنان را تقویت کند و اعتماد به نفس کافی را برای تعامل با جوامع غیرمسلمان به آنان اعطا کند.

۴- تصویری که در بیشتر جوامع به ویژه در غرب از اسلام ارائه می‌شود تصویری سراسر تحریف شده و مخدوش است. وظیفه جوامع مسلمان است که تصویری صحیح و مناسب از اسلام به جهانیان ارائه کنند. بی تردید با توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی نقشی حیاتی در دستیابی به این هدف خواهند داشت.

در سال‌های اخیر، ضرورت راه‌اندازی این شبکه‌ها در اکثر کشورهای اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است، حتی در سومین کنفرانس وزرای فرهنگ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) که در سال ۲۰۰۱ در دوحه قطر برگزار شد، طرح تأسیس یک شبکه ماهواره‌ای اسلامی به تصویب رسید و اجرای آن به سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی کشورهای اسلامی (ISESCO) محول شد. در پژوهشی که به وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی عرضه شد، آیسسکو نیاز به یک شبکه ماهواره‌ای اسلامی را حیاتی دانست. در این تحقیق اشاره شده بود که بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی کشورهای مسلمان، تنها برنامه‌های ملی خود را از طریق ماهواره پخش می‌کنند و تمرکز اندکی بر مسائل و موضوعات مشترک جهان اسلام دارند (عبدالقادر طاش، ۲۰۰۱). عموماً در شبکه‌های ماهواره‌ای ملی، طرح مسائل و موضوعات با برخی علایق و منافع ملی عجین می‌شود. با



این حال اگر این شبکه‌ها بر موضوعات مشترک جهان اسلام تمرکز کنند نقش مؤثرتری در اتحاد مسلمانان و شکل دهی به افکار عمومی و دیدگاه‌های اسلامی خواهند داشت. آیسکو همچنین به این نکته اشاره کرده بود که هر چند مسلمانان از نظر اقتصادی و نیروی انسانی توانایی‌ها و قدرت چشمگیری در جهان دارند اما هنوز نتوانسته‌اند سازمان رسانه‌ای قدرتمندی برای رساندن صدای اسلام به گوش مردم و دفاع از مسلمانان ایجاد کنند. از این منظر، شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی تأثیر زیادی بر تقویت اقتدار مسلمانان، اصلاح تصویر مسلمانان در نزد جهانیان و دفاع از شأن و منزلت آنان خواهند داشت.

### شبکه ماهواره‌ای اسلامی، تعاریف و کارکردها

پیرامون تعاریف و ماهیت شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی از محققان و صاحب‌نظران اعتقاد دارند که شبکه‌های اسلامی هم در مبانی نظری و هم در عمل باید صرفاً به دنبال گسترش برنامه‌های مذهبی تلویزیونی باشند، برخی دیگر نیز شبکه‌های اسلامی را مجموعه‌ای از مواعظ مذهبی دانسته‌اند که از طریق ماهواره پخش می‌شود و مخاطبان آن را افراد مذهبی تشکیل می‌دهند؛ افرادی که تمایل به تماشای دیگر شبکه‌ها ندارند. با این حال، این دیدگاه‌ها لزوماً صائب نیستند. اصولاً تفاوت‌های بنیادینی بین رسانه‌ی وعظ و خطابه و رسانه‌ی اسلامی وجود دارد. می‌توان گفت که رسانه‌ی وعظ و خطابه بخشی از رسانه‌ی اسلامی محسوب می‌شود، به عبارت دیگر رسانه‌ی اسلامی جامع همه رسانه‌هاست و رسانه‌ی فراگیر به حساب می‌آید. منابع اصلی‌ترین رسانه‌ی دعوت و وعظ هستند؛ از این رو بین رسانه در مفهوم مدرن آن با وعظ تفاوت وجود دارد، به عبارت دقیق‌تر رسانه برای اهدافی فراتر از وعظ و دعوت به دین به کار می‌رود و در آن پخش اخبار، برنامه‌های تفریحی و حتی آگهی و تبلیغات جایگاه خود را دارند. نکته مهم دیگر این است که رسانه‌هایی که ممکن است مسلمانان در هر کشور اسلامی داشته باشند تا هنگامی که از نظر تطابق با ایدئولوژی اسلامی و دیدگاه اسلام به جهان، زندگی و نوع بشر مورد تأیید قرار نگیرند رسانه‌ی اسلامی تلقی نمی‌شوند.

کارشناسان و صاحب‌نظران مسلمان باید این دیدگاه غلط را اصلاح کنند زیرا اهداف، سیاست‌ها و روش‌شناسی رسانه اسلامی در پرتو نگرش‌های اسلامی آن به جهان، زندگی و انسان توجیه‌پذیر است. همچنین ایدئولوژی اسلامی تعیین‌کننده کارکردهای عمومی و اختصاصی رسانه، سبک‌ها، ابزارها و شیوه‌های نمایش برنامه‌ها و اخلاق و ضوابط حاکم بر آن است. فلسفه رسانه اسلامی چهارچوب عقلانی کلی و رهنمودهای ضروری را برای کارکنان و دست‌اندرکاران رسانه فراهم می‌کند. نگرش اصیل، رسانه اسلامی را نظامی جامع و کلی در نظر می‌گیرد و از این منظر به تعیین اهداف و انگیزه‌های آن می‌پردازد. پس شبکه تلویزیونی اسلامی صرفاً شبکه اختصاصی مذهبی نیست هر چند برنامه‌های مذهبی پخش کند، حتی صرفاً یک شبکه و عظم و خطابه نیز نیست و مخاطبان آن محدود به مسلمانان نمی‌شود (عبدالقادر طاش، ۲۰۰۱). شبکه اسلامی شبکه‌ای است که کاملاً بر مبنای تعالیم مذهبی و موازین اخلاق اسلامی شکل گرفته باشد. شبکه اسلامی، شبکه‌ای قدسی است. نمایش برنامه‌های قوی و با کیفیت که تأمین‌کننده نیازهای معنوی، فرهنگی و اجتماعی مخاطبان باشد از اهداف اصلی شبکه اسلامی به شمار می‌رود. با این حال مسئله‌ای که در اینجا به وجود می‌آید به گسترش پخش‌های تلویزیونی در فراسوی مرزهای ملی و جهانی شدن مخاطبان تلویزیونی مربوط می‌شود. از این رو باید برنامه‌ها برای توده عظیمی از بینندگان خوشایند بوده و بیش از ویژگی منطقه‌ای یا ملی، حاوی جنبه‌های اسلامی در گستره جهانی باشد. برای بهره‌گیری از همکاری کشورهای اسلامی در تولید برنامه، باید مجموعه مشترکی از منابع و آثار تلویزیونی تولید و در زمینه موضوع‌های فرهنگی - اجتماعی جهان اسلام فراهم شود. در مجموع برای شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی می‌توان اهداف متعددی برشمرد که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- ترویج مفاهیم اصیل اسلام
- ۲- ایجاد احساس پیوند و وابستگی بر هویت فرهنگی واحد (امت اسلامی) و حفاظت از آن در برابر تهاجم فرهنگی غرب
- ۳- تقویت ویژگی‌های برجسته فرهنگ اسلامی و تبیین نقش مسلمانان در اعتلای

## فرهنگ بشری

◀ وجود شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی کارآمد و اثربخش نقش مؤثری در اصلاح تصویر تحریف شده مسلمانان خواهد داشت و با جلوگیری از غلبه تفکرات غلط و افراط و تفریط در فهم دین، ارتباط و تعامل بین فرهنگ‌های گوناگون را تسهیل خواهد کرد.

۴- نمایش تصویری دقیق، روشن و درست

از اسلام و اصلاح کج فهمی‌ها از تعالیم اسلامی

۵- ایجاد فضا و انگیزه گفتگو بین اعضای

امت اسلامی و گشایش مسیر دسترسی به دیگر

فرهنگ‌ها و جوامع

۶- تأکید بر شأن و منزلت زن و نقش او در ساختن جامعه‌ای سالم و توجه جدی به

موضوعات آموزشی و تربیتی نسل جدید

۷- کمک به رفع مشکلات و حل مسائل و موضوعات فراروی جهان اسلام

۸- معرفی ملل و کشورهای مسلمان و تمرکز بر وضعیت و شرایط مسلمانان گوشه و

کنار جهان.

نیاز فزاینده به تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی به تأسیس برخی شبکه‌های ماهواره‌ای

مثل "آقرا" عربستان انجامیده است (۱۹۹۸) که هنوز ارزشیابی دقیقی از کارکردها و موفقیت‌های

آن در دست نیست. اما باید خاطر نشان کرد برای نیل به اهداف اصلی این جریان، همه کشورهای

اسلامی به ویژه کشورهایی که از توان نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بالا و امکانات فناورانه و منابع

مالی قوی برخوردارند، باید فعالانه وارد عمل شوند. به ویژه در بخش ماهواره‌ای برنامه‌های

مذهبی به ملل دیگر و زبان‌های گوناگون نیز توجه شود تا از این طریق امکان ارتباط گسترده با

مخاطبان از سراسر جهان فراهم آید هر چند تفاوت‌های زبانی در جهان اسلام مانع بزرگی برای

تحقق این هدف است، تجربه برخی شبکه‌های ماهواره‌ای فراملی و منطقه‌ای مانند یورو نیوز

نشان داده است که با برنامه‌ریزی دقیق و کارآمد و استفاده از توان نرم‌افزاری می‌توان بر این

مشکلات فائق آمد. وجود شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی کارآمد و اثربخش نقش مؤثری در

اصلاح تصویر تحریف شده مسلمانان خواهد داشت و با جلوگیری از غلبه تفکرات غلط و

افراط و تفریط در فهم دین، ارتباط و تعامل بین فرهنگ‌های گوناگون را تسهیل خواهد کرد.

منابع:

- Alterman j. (1999), "transnational media and social change in the Arab World", transnational Broadcast Studios. Spring 1999.
- Alesco(1998). Arab League Educational Scientific and cultural organization "Arab satellite television channels at the service of Arab – Islamic culture. Tunis:ALESCO
- Ayish. Mohammad. (2002) " The impacts of Arab Satellite TV on culture and value systems in Arab counties: perspective and issues. [www.tbsjournal.com/Archives/Fall02/Ayish.html](http://www.tbsjournal.com/Archives/Fall02/Ayish.html)
- Bataineh. A(2001), "Cultural communication: A Strategic Factor in developments" sharjeh dept of Culture and information. UAE.
- Mowlana. Hammid (1995), "Communication in islamic world" the oxford Encyclopedia of the modern Islamic world. New York, oxford university press. 1995. V1, p.p.300-304.
- Tash, Abdulkader. (2002) "Islamic broadcasting: content, audience and impact" [www.tbsjournal.com](http://www.tbsjournal.com).